

به ادامه گذشته

فقیر محمد ودان

برخی مسایل پیرامون وظایف مبرم کنونی ما

قسمت پنجم

در امتداد بخش های گذشته این سلسله ، پیوسته تاکید گردیده که حزب وطن با اعتقاد به فلسفه صلح ، ماهیتاً ساختار سیاسی رزمنده ملی ، ترقیخواه و دموکرات است که از طریق تحریک و استقامت بخشیدن حرکت سیاسی هموطنان افغان و رهبری این حرکت ، جهت دستیابی به ارزشهای جامعه رفاه مبارزه مینماید . به همین ملحوظ در بخش چهارم این سلسله بطور مشخص تاکید گردید که : «مسوده مرامنامه حزب وطن ، سیستم از نظریات و طرح های بهم مرتبط و ارگانیکی اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی است برای ساختن یک نظام پیشرفته اجتماعی - اقتصادی [نظام اجتماعی - اقتصادی جامعه رفاه]» ، که می باید این نظام اجتماعی - اقتصادی طی یک پروسه بلند مدت تاریخی و در نتیجه مبارزه آگاهانه حزب وطن و هواداران آن ساخته شود . این خصوصیت جایگاه حزب وطن را با حفظ خصلت ذاتی صلح خواهانه آن ، بمثابة نیروی ترقیخواه ، دموکرات و ملی ، در وضعیت سیاسی کشور تثبیت مینماید .»

طرح فوق ایجاب مینماید تا درین قسمت و قسمت های بعدی ، ارزشهای تعریف و توضیح کردند که محتوی مسوده مرامنامه حزب وطن ، نهضت سیاسی مبارزه جهت دستیابی به آنان را مطرح و بدین طریق این حزب را واقعاً به ساختار سیاسی رزمنده مبدل مینمایند که با داشتن ماهیت ملی ، ترقیخواه و دموکرات ، جهت دستیابی به تحقق ارزشهای جامعه رفاه تلاش بعمل می آورد .

به ملحوظ فوق ، نخست میباید به دو سوال اساسی ذیل پاسخهای مختصر ارایه گردد .

1- جامعه رفاه چگونه ساختار اجتماعی - اقتصادی است و مسوده مرامنامه حزب وطن کدام مشخصات را در زمینه مطمح نظر دارد .

2- با در نظر داشت تاکید روی مفاهیم : ملی ، ترقیخوا و دموکرات در تعریف ماهیت حزب وطن ، مسوده مرامنامه و اساسنامه حزب وطن به کدام ارزشها توجه داشته است .

در رابطه به سوال اول :

درین زمینه لازم پنداشته می شود تا قبل از همه مفهوم «رفاه» تعریف و توضیح گردد تا از چنین دیدگاهی بتوان به مختصات جامعه رفاه - آنچه که در مسوده مرامنامه حزب وطن مطرح گردیده - توجه معطوف داشت . بنابراین :

رفاه‌حالیست فردی و اجتماعی که در نتیجه تدارک و تولید ارزشهای مادی و معنوی - جهت رفع حد اقل نیازمندیهای لازمی و ضروری فردی (معیشتی، جسمی و روانی) و اجتماعی افراد جامعه - تامین گردیده و با شکل معقول از توزیع این ارزشها و رفع این نیازمندی ها در حیات فردی و اجتماعی، تحقق می یابد.

در توضیحات فوق مفهوم «حد اقل نیازمندی های لازمی و ضرور» ، مفهوم نسبی است که متناسب با پروسه رشد و انکشاف اجتماعی - اقتصادی یک جامعه مدرن، حدود و محتوی آنان نیز گسترش یافته و غنا کسب مینمایند. همچنان تذکار رفع نیازمندی های معیشتی، جسمی و روانی افراد جامعه، در تعریف مفهوم رفاه، خود مؤید آن است که «رفاه» دارای ابعاد مختلف است؛ این ابعاد عبارتند از:

1- بُعد اقتصادی؛ ضرورت های ذیل را ایجاب مینماید:

- حمایت از افراد جامعه در برابر فقر، یعنی سطح زندگی این افراد نباید به پائین تر از سطح تعریف شده فقر نزول نماید.
- تدارک کار و اشتغال برای تمامی افراد مساعد به کار.
- تدارک مسکن و سرپناه به هریک از افراد هموطن.
- ایجاد سیستم عرضه خدمات اجتماعی مانند بیمه های صحتی، بیمه های بیکاری، بیمه های تقاعد و سایر ساختار های لازمی درین زمینه.
- نهاد های حامی افراد آسیب پذیر؛ مانند افراد بیکار، مادران و اطفال بی سرپرست، معلولین و معیوبین، بیماران و غیره.

2 - بُعد سیاسی؛ بر بنیاد:

- توسعه و ارتقای درک سیاسی افراد جامعه.
- تأمین و تضمین امنیت سیاسی افراد جامعه.
- تدارک زمینه های مشارکت عمومی افراد جامعه در روند سیاسی.
- کثرت گرایی سیاسی و بر مبنای آن وجود و حضور احزاب و گروه های متعدد فشار سیاسی.

3 - بُعد اجتماعی؛ بر بنیاد:

- تدارک و توسعه روابط و مناسبات سالم میان افراد و گروه های اجتماعی. همچنان تدارک امکانات جهت رشد، گسترش و تعمیق این روابط و مناسبات.

- تدارک امکانات برای حفظ خانواده و حمایت از حریم آن .

- حمایت از افراد و گروه های اجتماعی آسیب پذیر و اقلیت ها ، در پروسه روابط و مناسبات اجتماعی .

- تدارک و تضمین اوقات فراغت از کار ، بمنظور استراحت ، تفریح و سایر مشغولیت ها و مصروفیت های سالم .

4 - بُعد حقوقی ؛ بر بنیاد :

- تسوید ، تصویب و انفاذ قانون اساسی و سایر قوانین متمم مدنی مربوط به آن جهت تسجیل ارزش های رفاه فردی و اجتماعی .

- قبول و انفاذ قوانین و کنوانسیون های بین المللی مانند حقوق بشر ، حقوق کودکان ، زنان ، مادران و کودکان بی سرپرست و سایر گروه های اجتماعی .

5 - بُعد زیستی ؛ بر بنیاد :

- حفظ و کمک به سلامت جسمی افراد جامعه در مقابل بیماری ها و معلولیت ها .

- حفظ و کمک به سلامت روانی و انکشاف ذهنی افراد جامعه .

- کمک در جهت ارتقای سطح امید و خوشبینی افراد جامعه نسبت به زندگی از طریق ارتقای

سطح زندگی و شاخص های مربوط آن .

با در نظر داشت توضیحات فوق مفهوم «رفاه» ؛ مجموع شرایط و کیفیت هایی را افاده مینماید که نیازهای ضروری فردی و اجتماعی افراد جامعه را در آن حد لازم و ضرور تامین نماید که همه افراد جامعه از زندگی در آن شرایط از لحاظ اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، حقوقی و زیستی ، احساس امنیت نمایند .

تعریف و مختصات جامعه رفاه :

در تعریف رفاه نخست روی اصل «تدارک و تولید ارزشهای مادی و معنوی» تاکید و بعد به توزیع این ارزشها به فرد ، فرد از اعضای جامعه اشاره گردیده است ؛ این توزیع می باید قسمی صورت گیرد تا حد اقل سهم هر فرد (بدون آنکه حد اکثر آن - بنابر تفاوت استعداد های ذهنی ، توانایی های جسمی و امکانات افزاری افراد جامعه و تنوع چگونگی سهم این افراد در نظام اجتماعی کار - تحدید گردد) بتواند نیازمندی های ضروری مادی و معنوی او را در همه حالات - از جمله مریضی ، معلولیت ، بیکاری ، کهولت و ... - بمثابه شخصیت حقوقی عضو جامعه ، برآورده سازد .

ارزشهای مادی و معنوی مورد نیاز و متضمن رفاه افراد جامعه و توزیع آن ، بوسیله خود این افراد در چارچوب نظام اجتماعی معین ، صورت می گیرد . این نظام اجتماعی - که متشکل از ساختار های

اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی مختص به خود منجمله دولت است - بنام «جامعه رفاه» یاد میگردد . باید گفت که در نظام جامعه رفاه مورد نظر حزب وطن ؛ فرد ، فرد از جامعه ، با در نظرداشت استعداد ذهنی ، توانایی جسمی و امکانات افزاری شان ، بمتابه شخصیت های تعریف شده حقوقی ، در پروسه تدارک و تولید نعمات مادی و معنوی مورد نیاز ، سهم آزادانه گرفته و دولت صرف مسوولیت قانونی سازماندهی پروسه تولید و توزیع را مبتنی بر اصول انتظام ارشادی نظام اقتصادی و احترام به آزادی فردی، بعهده دارد . پس دولت بمتابه نهاد سیاسی مسوول سازماندهی امور فوق ، مؤظف است نیرو و استعداد افراد جامعه را تحریک و سازماندهی نموده و بکار اندازد تا در نتیجه امکاناتی تدارک و توزیع گردند که «حد اقل نیازمندی های ضروری» افراد جامعه را رفع ، رفاه آنان را تامین و تداوم آن را تضمین نمایند . با بیان ساده میتوان گفت که در جامعه رفاه ؛ به هر فرد ، هر خانواده و در مجموع به تمام جامعه امکان فراهم میگردد تا با در نظرداشت سطح رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه ، بتوانند نیاز های ضروری شان را در عرصه های ذیل تامین نمایند :

- امکان وجود سرپناه و توانایی مالی برای خرید مجموع کالاهای «ضروری» و «مورد نیاز» ، اعم از خوراک ، پوشاک و سایر افزار برای بیشبرد زندگی در حدود متذکره و در طول حیات خویش اعم از طفولیت ، جوانی و کهولت ، همچنان در حالات داشتن کار، بیکاری ، مریضی ، تقاعد و

- تامین و تضمین صحت افراد جامعه از طریق تاسیسات صحت عامه ، بیمه ها و سایر نهاد های اجتماعی .

- تامین امنیت فزیزی افراد جامعه ، مجموع دارایی ها و ملکیت های شخصی آنان .

- تضمین حفظ حقوق بشری و تامین مجموع و کامل آزادی های فردی افراد جامعه در عرصه های اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی منجمله در تبارز استعداد های علمی ، هنری ، ادبی ، تخنیکی و سپورتی با در نظرداشت عدم تجاوز به حد و مرز آزادی های مماثل سایر افراد جامعه و تحدید این آزادی ها بوسیله افراد ، گروه های اجتماعی و ساختار های سیاسی منجمله دولت .

مجموع ارزشهای جامعه رفاه از طریق نظام حقوقی مختص به خود آن تعریف و تسجیل شده ، این نظام حقوقی بوسیله دولت تضمین ، از طریق نهاد های جامعه مدنی حمایت و توسط مجموع افراد و تمامی نهاد های جامعه ، منجمله خود دولت ، رعایت میگردد . به همین ملحوظ وجود و حضور ساختار های جامعه مدنی - بمتابه افزار مدافع و حامی ارزشهای جامعه رفاه - جز لازمی و انفکاک ناپذیر جامعه رفاه محسوب میگردد .

جامعه مدنی مجموع ساختار های اجتماعی قانونی و مستقل از دولت اند ، مانند ؛ اتحادیه های صنفی ، سازمانهای اجتماعی جوانان ، زنان ، کهنسالان ، انجن های فرهنگی ، اپوسیون سیاسی دولت ، همچنان ساختار های مدافع حقوق بشری و رسانه های گروهی و غیره . این نهاد ها از یک طرف نقش شان را در امر جمع آوری ، تنظیم و فومولبندی خواست ها و دیدگاه های بخشهای متعدد جامعه ایفا نموده و از طرف دیگر این خواست ها و دیدگاه ها را حمایت و دفاع نموده ، جهت رعایت و تعمیم در تصامیم و عملکرد نظام سیاسی و اجتماعی منجمله دولت ، به نظام مذکور انعکاس داده و بدین طریق اصل مشارکت مؤثر احاد و افراد جامعه را در تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی تامین مینمایند . این خصوصیت «جامعه رفاه» را از «دولت رفاه» در دو نقطه ذیل متمایز می سازد .

1 - دولت رفاه به اصل مشارکت مردم در پروسه تدارک امکانات مادی «رفاه» ، توجه نداشته بلکه این امکانات را از منابع عایداتی دیگری - مثلاً نفت - بدست آورده و یک قسمت آن را برای رفع حد اقل نیازمندی های معیشتی افراد جامعه ، به آنان توزیع مینماید .

2 - دولت رفاه به حضور و نقش ساختار های جامعه مدنی و در نتیجه به اثرگذاری مردم بر پروسه تصمیم گیری های سیاسی و تعمیل آن معتقد نبوده ، خود بمثابه ساختار سیاسی «کل اختیار غیر مسوول» ، عمل مینماید .

نمونه های دولت های رفاه را میتوان در برخی از کشورهای نفت خیز عربی ، مشخص ساخت .

در اخیر این بحث لازم است تذکار یابد که : تشکل عناصر ساختاری جامعه رفاه و انسجام ارگانیکی این عناصر ، پروسه پیچیده اجتماعی - اقتصادی است که می باید حرکت جامعه درین استقامت ، بوسیله ساختار های سیاسی و اجتماعی خردورز تحریک گردد ، استقامت بخشیده و رهبری شود .

حزب وطن - بمثابه ساختار سیاسی خردورز ؛ طرفدار ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه و معتقد به نقش ساختار های جامعه مدنی در تامین مشارکت آگاهانه افراد و گروه های اجتماعی درین پروسه - در مقدمه مسوده مرانامه خویش قید نموده است که : «حزب وطن با اتکا به مختصات جامعه افغانی ، وظایف اساسی خویش را در مرحله کنونی ، مبارزه بخاطر استقرار صلح واقعی و عادلانه ، اعمار مجدد ، انکشاف اقتصادی و اجتماعی و به منظور ارتقای سطح رفاه مردم ، تامین پروسه قانونمند خودآگاهی و وحدت ملی ، گسترش و تعمیق دموکراسی قرار داده و در نهایت از پروسه ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه در عرصه های زیستی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی حیات جامعه ، دفاع نموده از نقش ساختار های جامعه مدنی به هدف تامین مشارکت آگاهانه مردم درین پروسه ، حمایت مینماید . ما جامعه رفاه را متشکل از افراد آزاد و با حقوق مساوی میپنداریم که آنان در یک نظام اجتماعی مردم سالار و حقوق بنیاد از امکانات برای تامین امنیت و رفاه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی برخوردار گردیده ، حقوق و مکلفیت های قانونی شان را در پروسه زیست باهمی درک و توأم با تبارز فرهنگ عالی و احساس قوی هم وطنی تعمیل نمایند . »

مختصات فوق حزب وطن را به چنان سازمان سیاسی مبدل مینماید که از مجموع عناصر متشکله جامعه رفاه ، بخصوص از منافع افراد و اشخاص کم درآمد ؛ اعم از مزد بگیران عرصه های کار فکری ، هنری ، تخنیکی و جسمی و همچنان از منافع افراد و گروه های آسیب پذیر جامعه ، در تمامی عرصه های حیات اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، دفاع مینماید .

لازم است این مسئله نیز تذکار گردد ؛ همانطوریکه مدل های موجود جامعه رفاه در کشور های مختلف ، باوجود مشابهت های عام انتظامی ، مختصات متفاوت از همدیگر را دارند و هیچیک از این نظام ها کاپی مدل دیگری محسوب نمی گردند ، مدل مطرح جامعه رفاه در مسوده مرانامه حزب وطن نیز با در نظر داشت مختصات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ، سطح رشد و امکانات کنونی کشور مطرح گردیده که صرف میتواند مدل افغانی جامعه رفاه محسوب گردد .

در بخش بعدی به توضیحات پیرامون سوال دوم خواهیم پرداخت .

ادامه دارد